

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

آساره پویان
۰۳ اگست ۲۰۲۱

قوانین اسلامی ستمی مضاعف به حق و حقوق زنان!

زنان در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی در شرایط دردناکی به سر می برند. تقریباً در هیچ حوزه ای از زندگی نیست که آنها با ظلم و ستم آشکار مواجه نباشند. به همین دلیل هم مسأله ستم بر زنان در کشور ما یک مسأله کاملاً ملموس است که در بطن جامعه تحت سلطه ما نهاده شده است.

در جامعه ایران در حال حاضر زن ستیزی ناشی از ذات درونی حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و مناسبات ارتجاعی آن می باشد، نظامی که در جهت حفظ منافع طبقه سرمایه دار حاکم تنظیم شده است. ستم اقتصادی-اجتماعی به زنان به دلیل این که زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند در عین حال ستمی بر خانواده آنان و از این طریق ستم بر کل جامعه می باشد.

در جامعه ما تبعیض سازمان یافته ای که توسط سیستم سرمایه داری بر زنان تحمیل می شود، به ویژه در مورد زنان طبقه کارگر و زحمتکش بسیار شدیدتر است. در جامعه ایران تحت نام مذهب، سنت و رسومات مردسالارانه چنان ستم های آشکاری علیه زنان اعمال می شود که انکار ناپذیر می باشد و موجب می شود که زن در جامعه نه تنها از حقوق برابر با مردان برخوردار نباشد بلکه این امر به صورت امری کاملاً عادی و مرسوم نادیده گرفته شده و حقوقش پایمال شود. واضح است که در چنین جامعه ای هم نهاد یا ارگانی برای رسیدگی به ستم ها و تبعیض هائی که به زنان اعمال می شود به طور واقع وجود نداشته باشد.

در نظام زن ستیز جمهوری اسلامی تبعیض علیه زنان و حقوق نابرابر آنان با مردان با الهام گرفتن از قوانین اسلامی، مشروع جلوه داده شده و با آن توجیه می شود. در این نظام با تأکید بر این که زن همیشه به عنوان یک عضو وابسته که حیات و هستی اش تحت مالکیت به زعم آنان جنس برتر (مرد) می باشد، این طور القاء می شود که گویا زن لزومی به داشتن حقوق مساوی با مرد ندارد. از نظر اقتصادی تکیه گاه مالی اکثریت مطلق زنان همواره وابسته به وجود یک مرد است؛ خواه پدر او باشد و یا همسر. اگر همسر یک زن راضی باشد او می تواند کار کند و درآمدش را برای خود نگه دارد و الا زن برای خانهداری و تربیت فرزندان زاده شده و مرد او وظیفه تأمین مالی او را دارد اما آن گونه که صلاح بداند؛ در نتیجه زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی استقلال مالی و اقتصادی برای یک زن روایی دست نیافتنی است.

در جامعه ما ستم بر زنان در تمام عرصه های اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی برجسته و قابل مشاهده است. صرف نظر از مزد نابرابر و شرایط بدتر استثمار برای زنان کارگر و زحمتکش در مقایسه با مردان، زنان امروز

ایران به طور کلی از چندین جهت دیگر نیز تحت ستم قرار گرفته‌اند. یکی از موارد برجسته این امر در رابطه با قتل زنان به دست افراد خانواده خود از پدر و برادر گرفته تا همسر و یا ولی دم می باشد که آن را قتل های ناموسی نام نهاده اند. سلطه فرهنگ مردسالاری در خانواده که توسط رژیم حاکم آگاهانه تقویت می شود، همانطور که به وفور در اخبار دیده و شنیده می شود باعث چنان قتل هائی می گردد. همچنین خشونت های کلامی و آزار و اذیت های جسمانی و حتی جنسی هم در رابطه با زنان در محیط خانه و هم در فضای بیرون از خانه چه در محل کار و مهمانی و یا خیابان، پارک و غیره صورت می گیرد. اما در جامعه زن ستیز ایران، زنان از نظر جنسی هم از کوچکترین امنیتی برخوردار نیستند. تازه دستگاه های حکومتی در موارد سو استفاده های جنسی نیز همیشه زنان را مقصر جلوه می دهند.

از طرف دیگر حکومت عامدانه در مورد مسائل جنسی در دوران تحصیل هیچگونه آگاهی رسانی نمی کند. برعکس آنها بسیار سازمان دهی شده جوانان را به انجام روابط خارج از عرف سوق می دهند. در این بین به دلیل عدم حمایت قانون و همچنین مهمتر از آن عدم پذیرش جامعه، باز هم این زنان هستند که متضرر می شوند و انگ هرزگی و بی بند و باری به آن ها زده می شود. این جاست که زنانی که با این مسایل مواجه می شوند یا به صورت واقعی به سمت هرزگی کشیده می شوند و یا تا پایان عمر در انزوا و ناراحتی زندگی می کنند. البته مقصر جلوه دادن زنان از طرف حکومتیان به این موارد ختم نمی شود. مثلاً کسی مواضع مسئولین حکومتی را در جریان اسید پاشی به زنان در اصفهان فراموش نکرده است که به جای کسی که اسید به صورت زنان پاشیده بود، خود زنان را مقصر جلوه دادند که گویا شکل پوشش آنها مناسب نبود. طبعاً در چنین جامعه ای با چنین تفکر و قوانین نانوشته ای که در وجود بخشی از افراد آن جامعه نهادینه شده، عملاً زندگی کردن را آنچنان دشوار می کند که گاه زنان برای خلاصی از این فشار ها به خودکشی روی می آورند.

با توجه به این که فرهنگ حاکم بر جامعه ما طبق گفته مارکس، فرهنگ طبقه حاکم بر جامعه است، در فیلم ها و سریال هایی که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ساخته شده و از تلویزیون پخش می شوند، کوشش در تقویت فرهنگ زن ستیزی و اشاعه فرهنگ مردسالاری به وضوح دیده می شود. در چنین اوضاعی حتی اگر زنانی هم به توانایی های خود واقف اند و تسلیم فرهنگ مرد سالاری نمی شوند و یا آن دسته از زنان که بر اثر جبر حاکمه مجبور به مقابله با ستم مضاعف علیه خود هستند و می توانند خود را بالا کشیده و بر مشکلات فائق آیند، در فرهنگ حاکم این کار آنها نه با خودشان به عنوان یک زن بلکه به عنوان مرد ارزش گذاری می شود. جمله هایی چون "او مانند یک مرد است"، "مانند یک مرد کار می کند" و غیره بیانگر آن است که توانایی او را با واقعیت های وجودی خودش نمی سنجند. در واقع به این گونه نه تنها از او تجلیل نمی کنند، بلکه تاکید می کنند که همه این صفات های خوب را از جنس برتر به عاریه گرفته اند. تازه این موارد بدون در نظر گرفتن مسایل و مشکلات مادی که نقش و تاثیر بسیار بزرگی در زندگی زنان دارد مطرح شده است. حال در نظر بگیرید که یک زن در چنین جامعه ای، دست به گریبان مشکلات اقتصادی و معیشتی هم باشد. داستان مشکلات مادی به ویژه در مورد زنان کارگر و زحمت کش این جا خود غمنامه دیگری ست. با یک نگاه سر انگشتی به آمار و افشاگری هایی که همین چند وقت اخیر توسط یک حرکت خودجوش توسط زنان در جامعه ایران صورت گرفت، زنانی که اتفاقاً اکثراً از طبقه خرده بورژوازی مرفه بوده و تقریباً همه آن ها دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، مشخص شد که تعداد بسیار بالایی از زنان در محیط کار و در چهارچوب روابط کاری، بعضاً توسط همکاران و کارفرمایان خود دچار آزارهای جنسی شده اند. اکثر کسانی که این کمپین را به راه انداخته بودند به پشتوانه طبقه ای که به آن تعلق دارند توانسته بودند که از آن شغل یا محیط خارج شوند و شغلی دیگر و یا همان شغل خود را در محیطی دیگر پیدا کنند. اما این مساله در مورد زنان طبقه کارگر و زنان خانواده های متوسط به پایین از

زمین تا آسمان متفاوت است. مساله پیدا کردن شغل و در آمد داشتن برای امرار معاش برای این زنان آن هم با توجه به هزینه‌های سرسام آور و بسیار بالا شرایط متفاوت و دردناکی برای این زنان به وجود آورده است. مشخصا شرایط ظالمانه ای که به زنان سرپرست خانواده تحمیل شده و به طور کلی برای خانواده‌های بی بضاعت، زندگی را بسیار دشوارتر نمود و به جهنمی تبدیل کرده است.

آنچه که مسلم است نابرابری اجتماعی، جنسیتی، حقوقی، معیشتی و فقدان آزادی واقعیاتی است که بر زنان ایران تحمیل شده است. بر زنانی که طی خیزش‌های اخیر که در ایران اتفاق افتاد بار دیگر حضور بسیار پررنگ و تاثیرگذار و البته برابر خود با مردان را به همگان ثابت کردند. زنان آگاهی که علیرغم تمام این فشارها و نابرابری‌ها امروز به حقوق خود آگاهند و برای رسیدن به آن در کنار مردان مبارزه می‌کنند.

بدون شک اجباری بودن حجاب و ممانعت از شرکت زنان در استادیوم های ورزشی و تماشای مسابقات به نوبه خود نقض حقوق زن می باشد. اینها از حقوق اولیه و ضروری زنان هستند. اما شاهدیم که نیروهائی می کوشند از یک طرف مشکلات و از طرف دیگر مطالبات زنان ایران را به چنین مسائلی تقلیل دهند و مسأله اصلی یعنی کسب برابری حقوقی مرد و زن در تمام عرصه های زندگی را به حاشیه ببرند. چنین نیروهائی همان هائی هستند که دغدغه حفظ نظام کنونی البته با رنگ و بویی دیگر را دارند. تلاش های چنین نیروهائی در صورت موفقیت جز به انحراف کشاندن مسیر مبارزات زنان نتیجه دیگری در بر نخواهند داشت.

آساره پویان

تیر ماه [سرطان] ۱۴۰۰

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۶۴، تیر ماه [سرطان] ۱۴۰۰